

پزشکیان طلسم گفت‌وگو را شکست

خصلت اساسی جامعه امروز ایران ساختن است نه ویران کردن

تقی آزادرمکی

[استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران]



در پاسخ به این سؤال که «اگر پزشکیان رئیس‌جمهوری نمی‌شد...؟»، به نظرم باید نگاهی به جریان‌های پیش از انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۳ بیندازیم. یعنی به فرآیندی که در آن اکثریت رأی‌دهندگان، که جمعی از آنان پیش‌تر از صندوق رأی فاصله گرفته بودند، ترجیح دادند آقای پزشکیان را «انتخاب» کنند. نگاه به آن فرآیندها، علاوه بر اینکه چرایی انتخاب پزشکیان از سوی مردم را توضیح می‌دهد، به این سؤال پاسخ می‌دهد که «اگر پزشکیان رئیس‌جمهوری نمی‌شد...؟» زیرا این دو پاسخ، به هم مرتبط هستند.

نگاهی به دوره پیش از انتخابات ۱۴۰۳ ما را در مواجهه با دو نوع قضاوت و داوری قرار می‌دهد؛ اول قضاوت درباره امروز ایران، و دیگری بررسی و داوری از شرایط فردای ایران.

در روزهای قبل از این انتخاب مردم سالارانه، نوعی تعارض قابل مشاهده بود؛ تعارضی میان دیدگاه‌های فرهنگی، سیاسی جریان رقیب و نامزد آن جریان، و در مقابل دیدگاه مبتنی بر میانه‌روی، اعتدال و اصلاح‌طلبی ملی که به باور ایرانیان در پزشکیان متبلور بود. جامعه ایران با چنین دوگانه‌ای مواجه بود که در نهایت رویکرد مبتنی بر میانه‌روی، اعتدال و اصلاح‌طلبی ملی را برگزید. این انتخاب ناشی از این حقیقت تاریخی است که خصلت اساسی جامعه امروز ایران، ساختن است و نه فرو ریختن یا ویران کردن. ایرانیان در دهه‌های اخیر نشان دادند از هرگونه تلاش برای فروپاشی ساختارهای کلان اجتناب می‌کنند و گزینه بدیل آنان ساختن، اصلاح کردن و همراه با اصلاح پیش رفتن است. به دیگر سخن، ایرانیان در دهه‌های اخیر در رویکردهای سیاسی خود نشان دادند که پیروزی خود را در پیراستن می‌جویند، نه پیکارجویی فکری، سیاسی یا فرهنگی.

بنابراین، رأی به پزشکیان محصول و برآمده از تقابل چنین دوگانه فکری و سیاسی بود، دوگانه‌ای که یک سوی آن صلب فکری و سوی دیگری اعتدال و اصلاح میانه‌روانه بود.

به عنوان جامعه‌شناسی که بر شناسایی مؤلفه‌های جامعه ایرانی تمرکز دارد، بر این باورم که انتخاب جامعه ایرانی، خوب و درست بوده است. باید در نظر داشت که این انتخاب پس از چند دوره فاصله‌گیری از انتخابات صورت گرفت که خود اهمیت آری گفتن مردم به مشارکت سیاسی و نیز نوع انتخاب آنان در این مشارکت را دوچندان می‌کند.

به‌ویژه اینکه تجربه کشورهای غربی و برخی کشورهای آسیایی نشان می‌دهد با گذشت زمان، مردم این جوامع هرچه بیشتر تمایل پیدا می‌کنند تا به

نامزدهای بنیادگرا گرایش پیدا کنند که تجربه آمریکا و مجارستان مؤید این نکته است. امروز از غرب تا آسیا شاهد برآمدن گرایش‌های سیاسی بنیادگرایانه‌ای هستیم که ریشه‌های دینی و مذهبی دارند و تمایلات خود را با لعاب یا پوسته دغدغه‌های سیاسی دنبال می‌کنند. در این کشورها نیروهای بنیادگرا با چنین انگیزه‌ها و انگیزه‌هایی درحال ساماندهی مجدد نیروهای سیاسی و اجتماعی خود هستند، همچنین در حال گسترش دامنه اجتماعی جریان‌های وابسته به خود.

با لحاظ کردن جهانی بودن پدیده تصلب سیاسی می‌توان بیش از پیش به اهمیت انتخاب ایرانیان در سال ۱۴۰۳ پی برد.

به عبارت دیگر، با لحاظ کردن این وضعیت جهانی، این سؤال مطرح می‌شود که در چنین شرایطی، اگر کسی غیر از پزشکیان پیروز می‌شد، باید منتظر چه فرآیندها یا اتفاقاتی می‌بودیم؟ ورود ایران به یک جنگ تمام‌عیار، و نه جنگی در ۱۲ روز، یک رویداد محتمل بود. زیرا جنگ و فشار نظامی چیزی است که دولت‌های سخت‌افزاری، از آمریکا تا سرزمین‌های اشغالی و حتی اروپا از آن استقبال می‌کنند. اما با حضور یک رئیس‌جمهوری اعتدالی در ایران، دست دیگر کشورهای متخاصم راست‌گرا برای بهانه‌تراشی جهت هجوم همه‌جانبه سیاسی و نظامی به ایران تا حد زیادی محدود شد و بازی آنان را تا حد زیادی خراب کرد.

در حوزه داخلی درباره انتخاب پزشکیان چه می‌توان گفت؟ پزشکیان امروز از اعتدال، اصلاحات، سازگاری و وفاق ملی حرف می‌زند.

اما نکته این است که وفاق ملی مورد نظر او ویژگی‌هایی دارد که باید برجسته یا شناسانده شود. وفاق پزشکیان به این معنی نیست که «با من وفاق کنید» یا اینکه در این وفاق «فقط به حرف من گوش کنید».

در مقابل این رویکرد یکجانبه‌گرا و غیروفاقی، پزشکیان همواره می‌گوید همه باید به حرف و سخنان یکدیگر گوش کنیم و استدلال‌های یکدیگر را بشنویم. این اتفاق مهمی در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی و حتی فرهنگی ایران است. به‌ویژه اینکه پیش‌بینی می‌شد اگر غیر از پزشکیان یا فردی از جریان مقابل او به کرسی ریاست جمهوری دست می‌یافت، امروز مسأله «شنیدن یکدیگر» نبود، بلکه مسأله «شنیدن نظر رئیس‌جمهوری و تبعیت از رئیس دولت» می‌بود. پزشکیان وحدت را در پذیرش تفاوت‌ها می‌بیند، اما دیدیم که برخی وحدت را در هم‌نظر شدن با رئیس دولت یا رئیس یک جریان سیاسی جست‌وجو می‌کردند. وحدت جریان‌هایی غیر از جریان فکری و سیاسی پزشکیان، این است: «به حرف من گوش کنید و رویکرد مرا بپذیرید.» درحالی که پزشکیان نه تنها برگفت‌وگویی همگانی و ملی، بلکه بر طرح ملی استدلال‌ها و شنیدن استدلال همه طرف‌ها و در نهایت برگزیدن بهترین استدلال، تأکید دارد. پزشکیان طلسم گفت‌وگو در ایران را شکست. هرچند باید در نظر داشت که گفت‌وگو یا طرح مسأله کردن از طریق گفت‌وگو، هدفی نیست که پزشکیان دنبال می‌کند. او می‌گوید این

اگر
پزشکیان
نبود



برندکلیف

شهریور ۱۴۰۴
هفته دولت
ویژندنامه

